

بر من نه پاسخی نه پیامی، اپریل اپریل

اروپاییان روز اول ماه اپریل را روز شوخی با صداقت نام داده اند، درین روز هر چه ناممکن و ناشد است، ممکن میشود مثلاً ایالات متحده امریکا قواً نظامی خود را از عراق بیرون کشید، اسقف کلیسای کاتولیک در واتیکان مسلمان شد، یا افغانستان به ۷ کشور صنعتی جهان پیوست.

واضح است که هر عنصر آزادیخواه و انسان دوست از خروج قواً تجاوزگر امریکا از عراق به خون کشیده شده استقبال کرده، هر مسلمان با غرور و رخوت لباس های قشنگ و قیمتی پاپ را جلو چشمانش پاره و تبرکی با خویش نگاه میدارد و بالاخره هر افغان با عضویت افغانستان در گروه ۷ کشور صنعتی دنیا فخر میفروشد، اما اپریل اپریل.

ولی ما افغانها چون کمی دیر تر از دیگران همیشه می جنبیم روز شوخی با صداقت را اول اپریل نه بلکه ۱۹ هم اپریل انتخاب کردیم.

در حدود ۵۰۰ تن از هموطنان ما از سراسر گیتی دور هم جمع شده تا سرنوشت نیرو های پراکنده مترقی و تحول طلب را دوباره به هم گره بزنند.

اجلاس وسیع نیرو های ملی مترقی و دموکرات در اروپا روزنه امیدی برای همه آنانیکه برای یک فردای بهتر می اندیشند تلقی میشد، اما با تأسف باید گفت که درین اجلاس همه چیز بود به جز آن چیزیکه ما دنبال آن بودیم.

آغاز همایش باگرداننده گی ضعیف آغاز شد که نوید از انجام کار میداد، انتخاب سنبولیک اعضای هیأت ریسه با این طول و عرض و ضخامت و تلاش سازمان های سیاسی به خاطر کسب بیشتر کرسی در روی سٹیژ مضحک مینمود موجودیت فقط یک زن در هیأت ریسه که بعداً ۴ تن از زنان در حالیکه جاه برای نشستن نداشتند اضافه شد، این کمیدی را بیشتر دیدنی تر میساخت.

در آغاز شخصیت بزرگوار چون محترم امان الله استوار رهبر حزب آرمان ملی حتی یک صفحه سخن روز را با خود نیاورده در عوض یک مقاله طویل و کسل کننده که در یکی از سایت های انترنتی به جواب محترم فاروق فردا نوشته اند با علالت مزاج که متأسفانه عاید حال شان است به خوانش گرفتند که از ته دل به محترم فاروق فردا دعای بد فرستادم که نان تان گرم و آب تان سرد در همچو روزی این سوال آنچنانی؟ حال سایر ذوات محترمی که از نام سازمان ها و حلقات مقاله خوانی میکردند بهتر ازین نبود به جز از صحبت محترم شفیق الله توده یی که با طرح های مشخص و تحلیل نسبتاً جامع به نماینده گی از نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان صحبت کردند .

درین مورد لازم به تذکر میدانم اینجا مسأله سمپاتی و انتی پاتی مطرح نبوده ، بلکه آنچه خوب بوده منکر آن نباید شد، لطف نموده بیانات را مطالعه فرموده قبل از اینکه در مورد قضاوت من قضاوت کنید ، خود به داوری بنشینید.

لبه تیز انتقاد ها متوجه کمیسیون تدارک اجلاس وسیع میشود و باز هم درینجا گروه و یا شخصیت زیر ذره بین قرار نگرفته بلکه در مجموع کار کمیسیون زیر سوال است آیا اعضای کمیسیون تدارک اجلاس شخصاً از کار کرد هایشان راضی اند؟.

به نظر من کمیسیون تدارک که مشتمل از نماینده گان سازمان ها و حلقات بودند همه وقت گرانبها را صرف مسایل تخنیکی و ظاهری جلسه کرده بیشتر روی اینکه چه کسی اول بیانیه دهد و چه کسی آخر ، چند نفر از ما درهیأت ریسه باشد و چند نفر از شما و در سکرتریت از دیگران عقب نیفتیم و یا در گرداندگی به جان ما نزنند از همان آغاز جو بی اعتمادی را فراهم ساخته بودند .

سؤال اساسی که باید این اجلاس به آن پاسخ میگفت فقط ۲ جز داشت نه کم و نه

زیاد

الف

چرا وحدت میکنیم؟ و روی چی وحدت میکنیم؟

ب*

میکانیزم وحدت را چی گونه پیشنهاد میکنیم ؟

به عقیده من کمیسیون تدارک اجلاس اولتر از همه سؤال شامل این دو جز را از همه سازمان های سیاسی حلقات و شخصیت های مستقل که روی اوضاع تأثیر گذار اند راجع ساخته با تفاهم هم ازین یک تحلیل درست و جامع و قابل قبول همه تهیه نموده به صفت بیانیه اساسی اجلاس توسط یکی از فعالین سیاسی خوشنام که هیچگونه تعلقات تشکیلاتی با سازمان ها و گروه هانداشتند قرأت میشد.

کمیسیون تدارک لست نماینده گان با صلاحیت سازمان ها و گروه ها را به خاطر ایجاد کمیسیون طرح میکانیزم وحدت قبلاً تهیه نموده در اختیار اجلاس قرار میداد پس از قرأت بیانیه اساسی کمیسیون طرح میکانیزم وحدت شروع به کار نموده البته این کمیسیون به اشتراک شخصیت های صاحب نظر که در اجلاس اشتراک نمود اند بیشتر غنی شده و کارآر تر میشد.

درین جریان نماینده گان سازمان ها و حلقات به صورت مشخص و کانکریت برداشت خود را از وحدت و طرح ها و راهکار های خویش را شفاف و واضح بیان مینمودند، نقاط مشترک که با هم دارند توضیح نموده و اختلافات و پیش شرط های اگر وجود میداشت صادقانه ، با جرأت سیاسی بیان مینمودند.

کمیسیون طرح میکانیزم وحدت تمامی نظریات را یکدست ساخته در معرض رایزنی و نظر خواهی قرار میداد . اینکه کار این پروسه به کجا می انجامید در قدم نخست نباید انتظار زیاد داشت ولی حد اقل سنگپایه اساسی این حرکت را درست میگذاشتیم به همه حال انچنانچه گفته شد با نا امیدی به خانه برگشتیم و دستاورد که انتظار میرفت نصیب ما نشد

اما ۲ دست آورد را قابل تذکار میدانم:

دست آورد اول که برای ما زیاد مهم است عبارت از تمکین به فرهنگ پهلونشستن است، بالاخره و بالاخره ما یاد گرفتیم که میتوانیم پهلوی هم بنشینیم، اگر چه از

تفاهم ، اتحاد، وحدت فرسنگ ها فاصله داریم، چون همه شور و فریاد وحدت را سر داده ایم و تلویحاً اعتراف به این امر میکنیم که هیچ سازمان سیاسی به تنهایی خود توانمندی اثر گذاری در نبض جامعه افغانستان را ندارد، یک راه وجود دارد وحدت کلیه نیرو های مترقی، دلسوز و متعهد به آرمان های انسانی با شعار دادن ها، قسم ها، تجدید پیمان های میان تهی و خام ، ما به وحدت نمیرسیم ، تا هر کدام ما حاضر به گذشت از مواضع و منافع خود به نفع وحدت نگردیم.

دست آورد دوم، مربوط یکعده معدود از افراد میشود که ، بیشرمانه و خجالت آور از نام سازمان های سیاسی مصروف زدوبند ها و معامله گری های پس پرده به منظور بدست آوردن جاه و جلال ، مقام وزارت، معینیت و سفارت استند. این اجلاس زمینه بیشتر استفاده جویی همچو افراد را مساعد ساخته ، زیرا حالا دیگر به پست سفارت قناعت نداشته از آقای کرزی و رژیم مزدور طلب پست وزارت و شاید هم وزارت هارا نمایند، زیرا حدود ۵۰۰ تن از نخبه گان، شخصیت های طراز اول را دور هم جمع نموده اند ، انتخابات هم در راه و تنور پیشکش های سیاسی هم گرم، ننگ و نفرین به آنانیکه با احساسات پاک و وطندوستانه هزاران انسان سرزمین ما پشت پا زده و به معامله گری مینشینند.

با عرض حرمت بی پایان به راهیان راه آزادی و خوشبختی انسان زحمتکش سرزمین ما.

یاددهانی:

رقم تعداد اشتراک کننده گان اجلاس قرین ۵۰۰ تن منتشره سایت وزین مشعل نزدیک به حقیقت است زیرا ۴۰۰ چوکی برای اشتراک کننده گان در نظر گرفته شده بود، و از خیرات سر مقاله خوان ها بین ۸۰ الی ۱۰۰ تن در دهلیز و مقابل در ورودی مصروف صحبت و دود کردن سگرت بودند.

23042009

www.ayenda.org